

زندگینامه
و خدمات علمی و فرهنگی
مهندس علیقلی بیانی
تهران - آبان ماه ۱۳۸۰

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

پیشگفتار

به نام خداوند جان و خرد

وَمِنَ الْمَاءِ كُلُّ شَيْءٍ حَيٍّ (قرآن کریم)

زنده به آبند، زندگان که چنین گفت
ایزد سبحان بی چه گونه و بی چون
هر که مرین آب را ندید در این خاک
تشنه چو هاروت ماند و غرقه چو ذوالنون

دانشمند آب شناس و سدّ شناس آشنای با فلسفه و
ادیان، مهندس علیقلی بیانی که اکنون در آستان نود
سالگی از عمر پر بار و برکت خود قرار گرفته، از
چهره‌های تابان علم و از خادمان راستین این کشور به
شمار می‌آید. او که نام خود را از علیقلی میرزا
اعتضادالسّلطنه پسر فتحعلی شاه جدّ مادری و نام
خانوادگی خود را از حاج میرزا یوسف بیان الممالک
جدّ پدری خود گرفته، مصداق واقعی «کریم الطرفین»

است که:

نژاد از دو سو دارد آن نیک پی

ز افراسیاب و ز کاووس کی

بنابراین جای هیچ شگفتی نیست که او در میدان علم و عمل یکه تاز و در خدمت خدا و خلق پاک باز بوده است و ثمره آن نام نیکی است که همیشه همراه او بوده و هست و خواهد بود، وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

مهندس بیانی تحصیلات خود را در فرانسه در مسائل و مباحث مربوط به آب و آب‌شناسی و بندسازی و سدسازی گذراند؛ یعنی رشته‌ای که بسیار مورد نیاز مردم این کشور بود. این مباحث در دوره شکوفایی علم در ایران عملاً و عملاً مورد توجه بوده و کتاب استخراج آبهای پنهانی از ابوالحسن کرجی و بند امیر یا سد عضدی بر رودخانه کر در بلاد فارس که از آن تعبیر به اعجاز معماری می‌کردند و دهها مانند آن، گواهی گویا بر این امر است.

متأسفانه پس از استیلای جهل بر مردم این سرزمین در دوره‌های بعد علم و دانش رو به فراموشی نهاد و کار بدانجا رسید که غربیانی که با ترجمه علوم مسلمانان پایه‌های علمی خود را استوار ساختند، در قرن بیستم که از عاصمه این کشور یعنی تهران دیدن

کردند، گفتند: «مردم تهران در شمال شهر از آب آلوده به کثافات نهرها و در جنوب شهر از کثافات مخلوط به آب می‌آشامند». در چنین شرایطی بود که مهندس علیقلی بیانی با تنی چند از همکاران صدیق و امین خود دامن همت به کمر زد و لوله کشی شهر تهران را تحقق بخشید. او در شرح کوتاهی از زندگی خود که در این زندگینامه آمده، ماجرای کشمکش خود را با دولت مردانی که می‌خواستند لوله‌های فولادی از خارج وارد کنند تا به طمع جاه و مقام به خارجیان سود رسانند - و منافع ملت فقیر خود را نادیده می‌انگاشتند - شرح داده و بیان داشته، چه گونه با مصالح بنایی سنتی این امر را به انجام رسانده است. او در پایان این گزارش می‌گوید: «هر وقت از آب لوله کشی تهران بهره‌مند می‌شوم مشقّات خودمان را فراموش می‌کنم و به آن کارِ خداپسند ثمر بخش افتخار می‌نمایم». مهندس بیانی بر خلاف افرادی که می‌خواهند همه چیز را منتسب به خود سازند و ذکری از عاملان و همکاران خود به میان نیاورند، حقّ یاران و مددکاران را به باد فراموشی نمی‌سپارد؛ چنانکه از مهندس صفی اصفیا که در کمال صحّت و دقّت و امانت اجرای شبکه شهر لوله کشی را برعهده گرفته

و به انجام رسانده بود به نیکی یاد می‌کند و تلاش شبانه روزی او را می‌ستاید و در مورد سهم همت مخلصانه مهندس نصرت الله خبیری در این امر می‌گوید: «اگر بیش از من نبود قطعاً کمتر نبود». او با غرور و افتخار از فعالیت‌های دو ساله خود به عنوان مدیر عامل فنی ساخت سدّ اختوان یاد می‌کند و از اینکه نخستین سدّ ایران را - با اخلاص و کم توقعی و توکل به خدا در جایی که فاقد دوا و غذا و راه‌های ارتباطی بوده و حتی از بیم گرگ از اطاق خود نمی‌توانسته بیرون آید - به انجام رسانده به خود می‌بالد. در مورد ساخت سدّ سپید رود کوشش گروه سی و اند نفری مهندسان ایرانی که همه در کار خود بینش و آگاهی و مهارت و تخصص داشتند، می‌ستاید و به صراحت می‌گوید: برخی از آنان در جاهایی اشتغال به کار داشتند که بسیاری از افراد مبتلا به خوره و جذام در آن‌جا زندگی می‌کرده‌اند. او در همه جا ضرر و زیان‌هایی که از امانت و صداقت خود در برابر فرومایگان دیده، یاد کرده و همه آن‌ها را در برابر خدمت به کشور و ایستادگی در برابر آن مال پرستان خیانت پیشه ندیده انگاشته است.

مهندس بیانی همکاری با مرحوم دکتر محمد مصدق

- در مقام مدیر کلّ شهرداری‌های وزارت کشور - را از افتخارات خود می‌داند. به ویژه آنکه توانسته بود هفده هزار متر مربع از زمین‌های تهران پارس را که زور مداران با کمک اراذل و اوباش می‌خواستند تصرف کنند به دولت باز گرداند و سپس آن را با اقساط در اختیار مردم بگذارد. در همین جا می‌گوید: وقتی دکتر مصدّق فهمید که چند تن از وزیران در امر تصرف زمین‌ها سهیم بوده‌اند بر سر و صورت خود کوبید و گفت: «پناه به خدا به که می‌توان اطمینان کرد؟»

بیانی از معدود کسانی است در صنف خود که به فعالیت‌های صنفی و تخصصی اکتفا نکرده و همواره در فراگیری دانش‌های عقلی که آدمی را به تکمیل نفس یاری می‌دهند پرداخته است. او از چند تن از استادان خود از جمله مرحوم ادیب بجنوردی شاگرد بلافصل حاج ملاّهادی سبزواری و شیخ محمّد سنگلجی استاد فقه دانشکده حقوق به نیکی یاد می‌کند و عهد صحبت و تلمذ خود را از آنان گرامی می‌دارد. آثار و تألیفات مهندس بیانی بیشتر درباره بعد معنوی انسان و کیفیت پیوستگی او با مبادی عالیات و تشبّه به خداوند و مبارزه با هواهای نفس و هواجس جسمانی است و هدف او در آن زمان ایستادگی در برابر اندیشه‌های

الحادی و افکار ماده‌گرایی که سخت شیوع داشت،
بوده است.

او خدمت به خلق خدا را در جریان همین اهداف می‌داند
و آنچه را که در امور دیوانی و اداری عهده‌دار بوده،
عدیل عبادت‌هایی می‌داند که برای تقرّب به خدا انجام
داده است؛ مَا أَحْسَنَ الدِّينَ وَ الدُّنْيَا إِذَا اجْتَمَعَا.

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که معرفّی چهره‌های
دانش و پارسائی را وجهه‌همت خود ساخته، مفتخر
است که این مجلس را برای این دانشمند بزرگ که
عمری را به پرستش خدا و خدمت به خلق سپری
ساخته، برپا می‌دارد و از نسل جوان این کشور انتظار
دارد که سیره علمی و عملی و جدّ و جهد و کوشش
مهندس علیقلی بیانی را همچون چراغی تابان فرا راه
خود دارند، تا با یاری خداوند بزرگ به سعادت دنیوی
و اخروی نائل آیند.

وَ إِنَّ صَحْرًا لَتَأْتُمُّ الْهُدَاةُ بِهِ

كَأَنَّهٗ عَلِمَ فِي رَأْسِهِ نَارًا

مهدی محقق

رئیس هیأت مدیره

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

مهر ماه ۱۳۸۰

به نام خدائی که جان آفرید

من در ۱۵ بهمن ۱۲۹۱ ش متولد شدم. تحصیلات متوسطه را در تهران، در مدرسه ثروت تمام کردم. سپس در مسابقه اعزام محصل به اروپا که هر ساله انجام می‌شد، شرکت کردم و توفیق یافتم. لذا جهت تحصیل مهندسی هیدرولیک (مکانیک مایعات) شش سال در فرانسه بودم و پس از بازگشت به ایران چند سال تدریس هیدرولیک در هنرسرای عالی [که بعدها پلی تکنیک نام گرفت] به عهده من بود. در سال ۱۳۲۴ ش از طرف شورای فرهنگی بریتانیا به عنوان پژوهشگر به لندن رفتم و در امپریال کالج [Imperial college] مشغول پژوهش بودم و در اواخر سال ۱۳۲۵ ش به تهران بازگشتم و دوباره به تدریس و کارهای آب شهر تهران پرداختم.

تحصیلات و استادان

از سال ۱۳۱۱ ش تا اواسط سال ۱۳۱۷ ش در فرانسه

مشغول تحصیلات مربوط به مهندسی هیدرولیک - که موضوع آن اصولاً سدسازی و انتقال آب با وسایل گوناگون و تصفیه آن است - بودم. به موازات این امر به حکم ضرورت و توصیه اولیای مدرسه مهندسی هیدرولیک، در دانشکده علوم گرنبل دروس ریاضیات عمومی و مکانیک استدلالی را پیگیری کردم و به دریافت تصدیق‌های مربوط به این دو درس نائل شدم. در سال آخر مدرسه مهندسی مذکور - چنان که معمول است - مشغول تهیه رساله‌ای شدم. موضوع آن را پروفیسور دانیل [Daniel] تعیین کرد. خوشبختانه با آن که موضوع رساله من مسئله نامأنوس جریان‌های سیلابی در انحناهای انهار مربعی بود، پژوهش من خیلی مورد تحسین پروفیسور دانیل قرار گرفت.

استادان مدرسه مهندسی هیدرولیک متعدّد بودند و ذکر نام آنها به درازا می‌کشد. ولی در دانشکده علوم گرنبل دو استاد داشتم که هر دو در فرانسه شخصیت ممتازی بودند. استاد ریاضیات عمومی، گوس [Gosse] نام داشت، وی در عین حال رئیس مدرسه مهندسی هیدرولیک هم بود. متأسفانه هنگامی که نازی‌ها وارد فرانسه شدند، او و پسرش را - که هر دو عضو حزب

سوسیالیست بودند - به قتل رساندند. استاد مکانیک استدلالی کُنْ [Cotton] بود. وی پیرمردی بود که سابقه تحقیقات عالیّه داشت. چنانکه مؤلف دوره مفصل مکانیک استدلالی پُل آپل [Paul Appell] بیشتر مواقع در پی نوشت صفحات کتاب مذکور که یکی از مراجع معتبر مکانیک استدلالی است، به تحقیقات وی ارجاع کرده است. با این وصف با کمال جدّیت به پژوهش‌های خود ادامه می‌دادم. به خاطر دارم روزی من و عده دیگری از دانشجویان مدرسه مهندسی هیدرولیک نزد او رفتیم. به ایشان گفتیم که ما بنا بر توصیه مسؤولان مدرسه، باید دروس حضرتعالی را تعقیب کنیم؛ ولی ساعت تدریس حضرتعالی در دانشکده برای ما مناسب نیست، زیرا در همان روزها کلاسهای ما دیر خاتمه می‌یابد و ما باید مسافت زیادی را از مدرسه تا دانشگاه [که دانشکده علوم یکی از دانشکده‌های آن بود] دوان دوان بیاییم؛ یا در نتیجه خیلی خسته به درس می‌رسیم و چنانکه باید از بیانات شما بهره‌مند نمی‌شویم، لطفاً ساعت تدریس مکانیک استدلالی را تغییر دهید. این خواهش ما برای او کار بسیار ساده‌ای بود؛ چون او در کار تدریس خود هر گونه آزادی عملی داشت. ولی پاسخ او به ما به لحن